

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۴ جنوری ۲۰۲۲

دادگاه‌های امپریالیستی برای تحقق عدالت نیستند،

ابزاری در جهت توسعه نیات شوم آنها هستند (۵)

ما در شماره‌های گذشته توفان به ماهیت دادگاه‌های ممالک امپریالیستی اشاره کردیم که اهدافشان در خدمت سرویس‌های جاسوسی و سیاست خارجی آنها می‌باشد. امپریالیست‌ها هرگز دلشان برای تحقق حقوق بشر در جهان و از جمله در ایران نسوخته است و به قول معروف ککشان هم نمی‌گزد اگر ده‌ها هزار نفر در خدمت مطامع آنها قربانی شوند. مگر تحریم و دادن گرسنگی به مردم ایران همانند محاصره ایران به سبک قرون وسطی توسط شوالیه‌های صلیبی، نقض حقوق بشر نیست؟ آمریکا بیست سال در افغانستان جنایت کرده است و همین سیاست را در فلسطین، عراق، یمن، سوریه، لیبیا و... ادامه داده است. ولی کسی آمریکا را به پای میز محاکمه نمی‌کشاند و حتی این کشور بارها گفته است تصمیمات و آراء صادره از جانب دادگاه کیفری جهانی در لاهه را چنانچه نتایجش به نفع آنها نباشد به رسمیت نمی‌شناسد. حتی این اعتراف صریح و تهدید کننده ارباب ایرانی‌های خودتحقیر و خفت‌پذیر، وجدان این وکیل مدافع‌های ایرانی حقوق بشر را معذب نمی‌کند. حقوق بشر برای آنها تنها ابزاری در تحقق سیاستشان می‌باشد و یک انسان آگاه و علاقه مند به حقوق بشر نمی‌تواند حقوق بشر را به صورت مجزا و انتزاعی در نظر گرفته و منکر شود که حقوق بشر جهانشمول است و نه گزینشی. کسی که در ماهیت جهانشمولی حقوق بشر شک و تردید روا دارد راه را برای نقض این حقوق به بهانه‌های گوناگون باز گذارده است و در واقع مدافع حقوق بشر و خون شهداء نیست، بلکه شمشیر را برای خونریزی آتی از رو بسته است. چنین افرادی خود حاضرند هر روز و هر شب حقوق بشر را در خدمت منافع خصوصی خود زیر پا بگذارند زیرا تنها درکی مصلحت‌جویانه از حقوق بشر دارند.

هم اکنون در سویدن دادگاه یکی از عوامل رژیم جمهوری اسلامی که مسلماً در سرکوب‌ها، شکنجه‌ها، اعدام‌ها در ایران نقش داشته و جای انکار ندارد در جریان است. ولی این دادگاه نه از جانب مبتکران آن و نه از منظر احترام به حقوق بشر، برای اجراء و تعیین عدالت نیست، بلکه در خدمت تأمین منافع امپریالیسم آنگلو ساکسون برای فشار به جمهوری اسلامی برای دادن امتیازات به این امپریالیسم در آستانه و حین مذاکرات «برجام» در وین است که خون شهداء را وثیقه این فشار و خیانت به مردم ایران کرده‌اند. نمی‌شود جنجال برگزاری این دادگاه را از بستر رویدادهای سیاسی در منطقه و ایران جدا ساخت و با افتخار به نادانی و جهالت خویش و یا عوامفریبی صرف، به دست بوس آقای جو بایدن رفت. شواهد نشان می‌دهند که تنها بخشی از امپریالیست‌ها و آنهم امپریالیسم آنگلو ساکسون و متحدان پروپا قرص آنها در

اروپا در پشت این دادگاه خود را پنهان کرده‌اند. امریکا، انگلستان، ناروی و سویدن پوشش مقتضی را به نمایشات مسخره این دادگاه‌ها می‌دهند. فرقی میان دادگاه سویدن به مدیریت پروکاتورها، عمال فرقه رجوی و سلطنت‌طلبان درمانده و دادگاه شرم‌آور بین‌المللی «مردمی آبان» در لندن به مدیریت خانم معصومه علینژاد قمی (معروف به مسیح علینژاد) و مرکزیت ایرانی‌تباران حامی صهیونیسم ساکن فرانکفورت وجود ندارد. صدای امریکا، بی بی سی لندن، من و تو و رادیو فردا در کنار ایران اینترنشنال سعودی‌ها و سایر دستگاه‌های بیگانه‌پرست ضد ایرانی به این صحنه‌سازی‌های سیاسی پوشش می‌دهند. خود رادیو فردا پس‌مانده رادیو صدای اروپای آزاد است که سازمان «سیا» آن را در مونیخ در زمان جنگ سرد تأسیس کرده بود که بعد از فروپاشی شوروی در خدمت سایر مقاصد امریکا به کار گرفته شد و اساساً دست دراز شده سازمان جاسوسی امریکاست. خودشان در معرفی خود نوشته‌اند: «رادیو اروپای آزاد/ رادیو آزادی یک بنگاه مستقل خبری است که کنگره ایالات متحده امریکا از طریق هیأت مدیران شورای اطلاع‌رسانی بین‌المللی امریکا یا «بی.بی.سی.جی»، هزینه این تشکیلات را پرداخت می‌کند. رادیو اروپای آزاد/ رادیو آزادی برپایه قوانین ایالات متحده ملزم شده است با خبرنگاری حرفه‌ای، بی‌طرفانه و مبتنی بر واقعیات به مخاطبانش خدمات‌رسانی کند.»

اینگونه منابع «بی‌طرف» خبری اجانب که رزق و روزی‌شان را دولت امریکا - بخوانید سازمان سیا - می‌پردازند، منبع گسترش اکاذیب هستند و در خدمت ایجاد اغتشاش، تزلزل، جنگ روانی به کار گرفته می‌شوند و حمایت آنها از نمایش لندن نیز در این کادر قابل فهم است.

یکی از برگزارکنندگان این دادگاه جریانی به نام «با هم علیه اعدام» می‌باشد که خانم جولیا بوریو فرناندز مدیریت سازمان بین‌المللی آن را به عهده دارد. این دادگاه فرمایشی تا روز ۲۳ آبان‌ماه [عقرب] ادامه خواهد داشت و ۴۵ شاهد در دادگاه شهادت می‌دهند. شهادتنامه ۱۲۰ نفر هم، به گفته برگزارکنندگان دادگاه، به صورت کتبی تسلیم دادگاه شده است.

این دادگاه فرمایشی خلاف عرف جهانی و حقوقی، شهود مجهول‌الهویه را با نقاب و تغییر صدا با مدیریت از راه دور به جلسه دادگاه فرا می‌خواند تا در مورد کشتار جمهوری اسلامی ایران شهادت دهند. در گزارشات آمده است: «در جریان جلسه امروز همچنین شاهد شماره ۳۶۶ با هویت محفوظ و چهره پوشیده از داخل ایران برای شهادت در برابر دوربین حاضر شد. این شاهد تعریف کرد که در ۲۵ آبان [عقرب] به جریان اعتراض‌ها پیوست و بعد از ظهر همان روز هدف شلیک مستقیم گلوله از سوی نیروهای امنیتی قرار گرفت؛ واقعه‌ای که منجر به قطع نخاع وی شد. قاضی زاک یاکوب، ... در جریان جلسه دوم دادگاه بین‌المللی مردمی آبان [عقرب] از شاهد موسوم به شماره ۱۹۵ درباره درستی این ادعا که نیروهای پولیس اماکن عمومی را آتش زدند و مسئولیت آن را متوجه معترضان کردند، سؤال کرد.»

آیا این نمایش مضحک خنده‌دار نیست؟ آیا نام دیگری می‌شود بر این خیمه شب‌بازی نهاد؟

البته ما قادر نیستیم نام دیگری بر آن بگذاریم ولی برگزارکنندگان این «دادگاه» که خود به تبلیغاتی و بی ارزش بودن آن واقفند به این خیمه شب‌بازی نام «نمادین» نهاده‌اند که بر چاله چوله‌های صحنه‌سازی شان ماله کشی کنند و راه فرار حقوقی و حرفی برای خود خلق نمایند. آنها هنوز به قدرت نرسیده راه و روش عوام‌فریبی را تدریس می‌کنند.

کار این شهود که دستگاه قضائی را به سُخره گرفته‌اند کافی نبود که خانم معصومه علینژاد قمی هم صورت اسامی ۱۲۰ نفر را از جیبش در آورد که گویا به وی از ایران غیباً وکالت داده‌اند از جانب آنها در دادگاه به شکایت و اعتراض بپردازد. البته این وکالت نه محضری است و نه از جانب دفتر وکالتی در ایران و با تأیید سفارت انگلستان در

محل و... تأیید شده است. در یک کلام وکالت ایشان جعلی و فاقد هرگونه وجهه قانونی و حقوقی است و در هیچ دادگاه صالحی قابل پذیرش نیست. این وکالت تیلیفونی و یواشکی است و در متن «آزادی یواشکی» این خانم که هنرش در کارهای یواشکی اش است می‌گنجد. چه کسی می‌داند که منبع درآمد یواشکی ایشان از کجاست؟ دادگاه نمایشی میزبان در لندن شاهد شهادت ۴۵ تن از شاهدان حاضر در دادگاه بود و شهادتنامه ۱۲۰ نفر هم به صورت کتبی و غیابی که به دادگاه از طرف خانم معصومه علینژاد ارائه گردید مورد پذیرش این قضات «عادل» قرار گرفت که در مقابل سوگند شغلی خویش سرافکنده نبوده و خجالت هم نکشیدند. تمام جلسات دادگاه به صورت زنده از صفحه رسمی اینستاگرام مربوط به این هیأت قضات، تلویزیون ایران اینترنشنال (بخوانید عربستان سعودی و محمد بن اَره که نگران عدم اجرای حقوق بشر در ایران است)، صدای آمریکا و اسرائیل پخش شد. کشور بریتانیا اموال ایران را به صورت غیرقانونی ضبط کرده و حاضر نیست در امور تجارت حکم عدالت را اجراء نماید و بدهی‌هایش را به مردم ایران پس دهد. در همین راستا «جرمی هانت»، وزیر خارجه پیشین بریتانیا می‌گوید: «کشورش باید بدهی ۴۰۰ میلیون پوندی ایران را بپردازد». آیا می‌شود در مورد بی‌طرفی دستگاه قضائی این کشور سلطه‌گر مشکوک نبود؟

خبرگزاری بی بی سی در تاریخ ۲۲ آبان [عقرب] ۱۴۰۰ برابر ۱۳ نومبر ۲۰۲۱ نوشت: «در جریان پرونده حمید نوری، دادستان‌های کشور سوئیدن استدلال کردند که به دلیل ابعاد وسیع اتهامات علیه او در مسأله اعدام‌های سال ۶۷، دادگاه‌های ملی این کشور صلاحیت رسیدگی به پرونده را دارند و محاکمه او در سوئیدن آغاز شد. در جریان این محاکمه، به مستندات قابل‌توجهی از آنچه پیشتر در جریان دادگاه نمادین ایران تریبونال ارائه شده بود، ارجاع داده شد.» (تکیه از توفان).

کوس رسوائی این دادگاه «ایران تریبونال» را که با حمایت بنیادهای امریکائی حمایت از «دموکراسی» و یک تیم کارکنسته سرویس‌های امنیتی به وجود آمده بود و ادامه همان دادگاه‌های گزینشی برای تبرئه فاشیست‌های یوگسلاوی بود، توسط اپوزیسیون انقلابی ایران در زمان خود به حد کافی افشاء شده و منابع مالی این دادگاه برملا شده بود. دادگاه سوئیدن حال به «مستندات قابل‌توجهی» از آنچه پیشتر در این تریبونال که خودش خودش را «نمادین» می‌داند و فاقد ارزش حقوقی و قانونی است، چنگ می‌اندازد تا یک ماشین تبلیغات سیاسی را برای خاک پاشیدن به عدالت به راه بیندازد.

مطبوعات نوشتند: «در آغاز سی و سومین جلسه محاکمه حمید نوری (با نام مستعار عباسی)، ریاست دادگاه اعلام کرد برای استماع شهادت شماری از شاکیان پرونده به البانی می‌رود.

رئیس دادگاه گفت جلسه‌های دادگاه برای دو هفته (هفته‌های ۴۵ و ۴۶) در دادگاه البانی تشکیل خواهد شد. قاضی گفت این تصمیم به این دلیل گرفته شد که استماع شاهدان مستقر در البانی برای ادله اثبات جرم ضروری شمرده شده است. بر اساس تصمیم دادگاه، یک وکیل مدافع حمید نوری، وکلای شاکیان و شاهدان، دادستان و قضات در دادگاه البانی حاضر خواهند بود.»

ولی مسأله به این سادگی نیست. بعد از این که درب اسارتگاه فرقه رجوی در عراق تخته شد، جاسوسان این سازمان به تعداد دو هزار نفر به کشور «دموکرات» البانی تبعید شدند. البانی هم مسلمان است و هم مستبد و هم محکوم به قبول تسلط مافیای بالکان. آنها اخیراً دو تن از اعضای گروه فرقه رجوی مقیم البانی را به جرم قاچاق آدم و مواد مخدر دستگیر کرده‌اند. نیاز به استدلال نیست که مهاجرت فرقه رجوی به البانی در زمان اشغال عراق با رضایت و مدیریت آمریکا با توصیه آقایان «جان بولتن» مشاور امنیتی «ترمپ» و وکیل خانوادگی ایشان آقای «رودی جولیان» حتی از

همان دوران ریاست جمهوری آقای «اوباما» صورت گرفت. اعضای گروه فرقه رجوی در البانی در اسارتگاه به سر برده، دارای گذرنامه نبوده و حق ترک البانی را ندارند. حقوق بشر آنها در این اسارتگاه به شدت نقض می‌شود. آنها در البانی زندانی هستند. شهادت این افراد از نظر حقوقی فاقد ارزش است، زیرا در زیر ساطور سازمان فرقه رجوی باید به حرف درآیند و چنانچه مطالبی خلاف آنچه تعیین شده بر زبان آورند، کسی مسئولیت حمایت و حفظ جان آنها را تضمین نکرده و نمی‌پذیرد. کشور البانی کشوری است که یک حکومت مافیائی در رأس آن بوده و نه تنها حقوق بشر در آن رعایت نمی‌شود، بلکه دولت آن متکی بر قانون هم نیست. هیچ شاهدهی در این کشور نمی‌تواند بدون هراس و با اراده آزاد به اظهار نظر پرداخته و شهادت دهد. این امر شامل حتی اتباع البانی نیز می‌شود. قوه قضائیه در البانی تابع منافع قدرت مافیائی حاکم است. آنوقت اعضای اسیر فرقه رجوی زیر بار مضاعف دو تهدید و فقدان امنیت جانی باید با «اراده آزاد» به شهادت واقعی بپردازند!؟

دادگاه سویدن که مدعی است خواهان یافتن حقیقت بوده و می‌خواهد عدالت را اجراء نماید، اگر ریگ تبلیغاتی و استعماری در کفشش نیست، می‌توانست از دولت سویدن برای تحقق امری به این مهمی که گویا با قصد رسیدگی به جنایات علیه بشریت صورت می‌گیرد، درخواست کند که موقتاً به شهود فرقه رجوی اجازه دهند با ورقه عبور و یا اقامت موقت، با مجوز موقت در مقابل دادگاه سویدن حاضر شده و بدون اهمه و ترس از جان به پرسش‌های دادستان پاسخ دهند. ولی دولت سویدن از این کار سر باز زده است زیرا بیم از آن دارد که به مجرد رسیدن اعضای سازمان فرقه رجوی به سویدن، آنها از دولت سویدن درخواست پناهندگی سیاسی کنند و خود را از اسارتگاه فرقه رجوی خلاص نموده، فرار را بر قرار ترجیح داده و حتی با تواب شدن به ایران بازگردند. و آنوقت سرنوشت شهادت دادن آنها پا در هوا می‌ماند.

دولت سویدن با این گونه تواب‌ها موافق نیست. دادگاه‌های سویدن تواب‌های پرووکاتور و همدست صهیونیسم و هابیسم و امپریالیسم می‌خواهد.

روشن است چنین دادگاهی با چنین سوءسابقه و ماهیتی صلاحیت رسیدگی به جنایات رژیم جمهوری اسلامی به ضد مردم ایران را ندارد. نخست باید دادگاهی برای محکوم کردن چنین دادگاه‌هایی در جهان برگزار شود که خودش چنین خیمه شببازی‌های زشتی را راه می‌اندازد و دستگاه عدالت و حقوق بشر را به تمسخر گرفته، آلوده کرده و احترام حقوق بشر را در جهان از بین می‌برد، به بی‌اعتمادی مردم دامن می‌زند و دست‌آورد عدالت‌خواهی بشریت را مجوف و بی‌روح می‌نماید. برگزاری چنین دادگاه‌هایی هوچی‌بازی و به قول خودشان «نمادین» است تا سیاست مشخص و معینی را در این برهه از زمان به پیش ببرند. جای تأسف است که کسانی پیدا می‌شوند به آرمان شهدای خلق ایران که مبارزه به ضد ارتجاع، امپریالیسم و صهیونیسم بود خیانت می‌کنند. عمال کشتار سال‌های ۶۰ تا ۶۷ را دادگاه خلق ایران به محاکمه خواهد کشید زیرا مردم ایران نه می‌بخشند و نه فراموش می‌کنند و نه به خیانت ملی تن در می‌دهند.